

## تحلیل حقوقی قوانین شهری با تأکید بر مفهوم حق بر شهر و ارتباط آن با حقوق شهروندی

مریم افشاری\*<sup>۱</sup>، الهام پور مهابادیان<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۲۶ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۵/۱۳)

### چکیده

حق به شهر، مسئله‌ای با ماهیت اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که با تعریف مجدد مفهوم حق شهروندی، مجموعه حقوقی را برای شهروندمدارتر کردن بستر زندگی شهری، به صورت شفاف و عادلانه مطالبه می‌کند. در این مقاله، ابتدا سعی شد تا با کنکاش در حوزه تئوری حق به شهر و مفهوم عدالت شهری، مجموعه‌ای از هنجارهای عمومی شهروندمداری تبیین شود. با توجه به ماهیت نظریات مذکور و انگاره مفهوم شهروندی از نگاه نظریه‌پردازان این حوزه‌ها، هر فرد به واسطه حضور در شهر و ایفای نقشی فعال در آن، مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی را کسب می‌کند. با توجه به مطالعات انجام شده، این نتیجه حاصل شد که مجموعه حقوقی همچون حق به استفاده از مکان‌های شهری، آزادی، دموکراسی، مشارکت و... می‌تواند به صورت هنجارهایی عمومی تعریف شوند که امر شهروندمداری در شهر را مرتفع سازند. در نهایت به واسطه تطبیق هنجارهای عمومی شهروندمداری با شاخصه‌های حقوق شهروندی و حقوق شهری و شاخصه‌های کیفی طراحی شهری مطرح شده توسط صاحب‌نظران این حوزه، کوشش شد تا چارچوب نظری جامعی در این خصوص تبیین شود.

**واژگان کلیدی:** حق به شهر، حقوق شهروندی، قوانین شهری، قوانین شهرداری‌ها.

### طرح مسئله

حقوق شهری شاخه‌ای است منتخب از حقوق اساسی و حقوق اداری، که هر دو آنها از شاخه‌های حقوق داخلی عمومی محسوب می‌شوند و موضوع آن رابطه شهر با شهرداری و حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و اصول هدف‌ها و وظایف و روش انجام آنها و اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر می‌باشد (کاتوزیان، فلسفه حقوق، ۱۳۸۸). جنبه عملی یا وظایف، تکالیف، قواعد، مقررات حقوقی الزام‌آور سازمان‌ها با یکدیگر به صورتی قانونمند است که شکل قانون (Law) به خود می‌گیرد. بنابراین از این منظر، جنبه نظری حقوق و قوانین شهری، همان دانش حقوق شهری و شهروندی و جنبه عملی آن قوانین شهرداری‌ها، شوراها و شهروندی تلقی می‌شود. وظیفه حقوق تنظیم روابط اجتماعی است. هر قدر روابط و مناسبات اجتماعی از پیچیدگی بیشتری برخوردار باشد، نظام و سازمان حقوقی نیز از گستردگی و پیچیدگی بیشتری برخوردار خواهد بود. در نیم قرن اخیر، حقوق در معنی علم حقوق به کار رفته است. مقصود در این مورد دانش قانون است. حقوق عبارت است از مجموعه مقرراتی که بر روابط یک جامعه سیاسی حاکم است.

### تفاوت میان حقوق طبیعی، حقوق بشر و حقوق شهروندی

**حقوق طبیعی:** انسان فی‌نفسه یک ارزش و یک حوزه غیر قابل تعرض است. یعنی انسان‌ها صرف‌نظر از نژاد، زبان، مذهب، جنسیت، ملیت و موقعیت دارای حقوقی هستند که به اعتبار انسان بودن، به آنها اعطا شده، که حقوق طبیعی و ذاتی آنها به حساب می‌آید و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اساس همین حقوق ذاتی و طبیعی تنظیم شده است (جعفری، مقدمه عمومی علم حقوق، ص ۴۵). یعنی کسی یا مقامی نمی‌تواند محتویات آن را تغییر و یا آن را منحصر به خود بداند (بیرانوند، نقش و تکالیف پلیس راهنمایی و رانندگی...، شماره ۲۱، صص ۳۳-۵۲). به عبارت دیگر: حقوق بشر، مجموعه‌ای حقوقی است که بر پایه نظریه حقوق طبیعی و به موجب قانون طبیعی، یکسان به افراد بشر اعطاء شده و جزء ذاتی و تفکیک‌ناپذیر موجودیت انسانی به شمار می‌آید و نهادهای حقوقی و قضایی (داخلی و بین‌المللی) باید از آن دفاع کنند. از جمله این حقوق عبارتند از: حق بیان عقیده، امنیت، آزادی، منع شکنجه، حق دادخواهی، حق مالکیت، حق اشتغال، حق مشارکت در اداره امور عمومی، حق برخورداری از آموزش و ...

### حقوق شهروندی

شهروند با توجه به جایگاه و پایگاه اجتماعی خویش در جامعه شهری دارای حقوقی می‌باشد. بر این اساس اجمالاً حقوق شهروندی به سه دسته تقسیم می‌گردد: (۱) حقوق قانونی و مدنی: شامل آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق بهره‌مندی از عدالت؛ (۲) حقوق سیاسی: شامل حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی و...؛ (۳) حقوق اجتماعی: شامل حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، خدمات مدنی و... (حاج زاده، سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۷).

در بین سه حقوق فوق‌الذکر حقوق اجتماعی شهروندی دارای اهمیت خاصی به خصوص برای جوامع مدرن و توسعه‌یافته غربی می‌باشد. به طور کلی رابطه میان شهروندان و نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه دو سویه می‌باشد به طوری که طرفین نسبت به هم دارای حقوق و وظایف متقابلند (رجبی و حصاری نژاد، شرکت‌های مردم نهاد شهری: راهکاری برای...، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۱۱).

در این بین مهمترین وظیفه مقامات محلی و حکومت‌های محلی (مدیریت شهری) که در راستای تقویت و بهبود اجتماع محلی و حکومت‌های کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد شهروندسازی است.<sup>۱</sup> شهروندسازی یعنی فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و ساز و کارهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندی خویش بهره‌مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی‌شان را در قبال جامعه محلی و شهری که در آن زندگی می‌کنند انجام دهند.<sup>۲</sup> لذا باید گفت وظیفه حکومت‌های محلی فراهم‌سازی زمینه لازم برای برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی خویش (حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی) می‌باشد (ذکائی، اخلاق شهروندی، شماره ۵، ص ۲۴۰). از دیدگاه سیاست شهری مطالبات و تقاضاهای نامحدود شهروندان از رژیم‌های شهری (مدیریت شهری) عمدتاً معطوف به چند مقوله اساسی زیر است:

(۱) استفاده از منابع شهری و امکانات و خدماتی که نیاز مبرم زندگی شهری می‌باشد.

(۲) تأثیرگذاری بیشتر بر ساز و کار تصمیم‌گیری‌های شهری.

(۳) فراهم شدن ساز و کارها و ترتیبات نهادی برای تحقق بیشتر مشارکت شهروندی در زندگی شهری.

1. Brynskov, 2014
2. Seidaei & Pourmahabadia, 2020
3. Pourmahabadia, 2017

۴) تثبیت قانونمندان حقوق و وظایف متقابل شهروندان و مدیریت‌های شهری<sup>۱</sup>.

### نگاهی اجمالی به تاریخچه شهروند و حقوق شهروندی

چه کسی شهروند است: در روم قدیم اتباع کشور به دو دسته تقسیم می‌شدند. شهروندان یعنی رومیان اصلی که از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار بودند و رعایا، یعنی اقوام و ملل دیگری که تحت تسلط حکومت رومیان بودند (رضایی پور، حقوق شهروندی، ص ۴۶). شهروند ترجمه فارسی Citizen است. در فرهنگ لغت دهخدا شهروند این گونه تعریف شده است: اهل یک شهر یا کشور و نیز آمده که «وند» موجود در این واژه در گذشته نیز بوده و در واقع این واژه شهر بند بوده است به معنای کسی که به شهری بند است. در اثر گذشت زمان این بند به وند شده است. «ی» موجود در شهروندی هرچه مربوط به گذشته شهروند (لغت‌نامه دهخدا).

شهروند به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارا می‌باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی آن کشور به تصویب رسیده است.<sup>۲</sup> دوران باستان: دوران پیش از میلاد مسیح تا قرون وسطی را دوران باستان می‌گویند در این دوران بیشترین توجه به حقوق شهروندی البته نه در همه ابعاد کنونی آن در یونان باستان است (گیدنز، جامعه‌شناسی، ۱۳۹۳). حقوق شهروندی شامل توانایی‌ها و امتیازاتی‌هایی که از رهگذر مقررات قانون اساسی قوانین عادی و آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها برابر مردمان به رسمیت شناخت (نیازپور، حق متهمان مبنی بر داشتن ...، ۵۸، صص ۹۳-۱۱۸). از نظر ترنر حقوق شهروندی به ماهیت مشارکت اجتماعی افراد در جامعه مربوط است شهروندی موقعیتی اساسی است که به افراد توان شناخته شدن و حضور در اجتماع سیاسی را می‌دهد (شیانی، فقر - محرومیت و شهروندی در ایران، شماره ۱۸، ص ۶۴-۴۱).

### مفهوم شهروندی از دیدگاه اندیشمندان

در نظریه‌های جامعه‌شناسی، شهروندی طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. چنانچه جامعه‌شناسان مختلف این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند. (مدنی، حقوق اساسی و نهادهای ...، ص ۱۴۰). (کاظمی، موانع و چالش‌های تدوین لایحه ...، صص ۱۳۴-۱۱۹). با این وجود محور مشترک در همه تعاریف‌ها، تأکید بر حقوق وظایف شهروندی، مشارکت، برابری شهروندان، هویت شهروندی،

1. Griffin, 2015

2. Janoski, 1988

نقش و پایگاه شهروندان فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی جامعه است<sup>۱</sup> که به برخی از نظریه‌ها اشاره می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱: مفهوم شهروندی از دیدگاه اندیشمندان مختلف

شرح	زمینه و تعریف شهروند	اندیشمند
به زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی - اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوق‌شان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت.	طبقه، آگاهی و حقوق شهروندی	مارکس
مارکس وبر شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت - شهرهای یونان باستان در ارتباط می‌داند. جایی که فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم می‌ساخت مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت، مدنیت نقش حیاتی داشته است. وی این مشخصه را منحصر به غرب می‌داند (ذکایی، اخلاق شهروندی، ص ۶۹).	شهر، شهروندی و دموکراسی	وبر
پارسونز شهروندی را نتیجه‌ی ظهور جامعه سرمایه‌داری صنعتی می‌داند و معتقد است که تغییراتی که در جامعه صنعتی رخ داده، نظیر شهری شدن و عقلانیت بستر مناسبی را برای این پدیده به وجود آورده است. وی با مینا قرار دادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی و جامعه‌ی مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می‌کند.	دوگانه عام‌گرایی - خاص‌گرایی	پارسونز
از نظر وی دریافت حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی فرد، به عنوان عضو تمام جامعه‌ی خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. حوزه‌ی عمومی عرصه‌ای است که در آن فرد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیر قابل حذف هستند. حوزه‌ی عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظام دموکراتیک نوید می‌دهد.	دسترسی برابر به مشارکت و شهروندی	هابرماس

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ م. فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ م. قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ م. در مجمع عمومی ملل متحد به امضا کشورها رسید، در بسیاری از مواد خود

1. Beigzadeh, 2012

از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه الهام گرفته است (محسنی، ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی...، شماره ۱۰، صص ۱۴۴-۱۱۷). حقوق شهروندی در مکاتب مختلف اعتقادی و اجتماعی تعاریف گوناگونی دارد (کامیار، حقوق شهرسازی، ص ۹۸). حقوق شهروندی جنبه‌های بسیار زیادی از حق و تکلیف را مشخص می‌کند و نمی‌توان آن را محدود به حق رأی و یا موارد جزئی‌تر کرد. امروزه حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی، حقوق قضائی، حقوق زنان، حقوق بزه دیدگان، حقوق کودکان و... را شامل می‌شود (مدنی، حقوق اساسی و نهادهای...، ص ۳۵). (ساکت، دیباچه‌ای بر دانش حقوق، ص ۷۵). در تعریفی جامع‌تر شاید بتوان گفت «حقوق شهروندی مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی است که در جهت حفظ شخصیت و کرامات انسانی در تمامی حدود سیاسی، قضایی و اجتماعی برای انسان متصور می‌باشد و جامعه و حکومت به صورت مشترک ستون اجرای آن می‌باشند» (قربانی پور و رضایی نژاد، آشنایی با حقوق شهروندی، ص ۶۸). مارشال سه نوع حقوق را در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص می‌دهد (جدول ۲).

جدول ۲: سه نوع حقوق شهروندی مطرح شده مارشال

ردیف	نوع حقوق	شرح
۱	مدنی	آزادی افراد برای زندگی در هر جایی است که انتخاب می‌کنند و شامل آزادی بیان، مذهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.
۲	سیاسی	شامل حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن است.
۳	اجتماعی	این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد و رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و شامل حقوقی مانند مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد است.

منبع: خوئینی، حقوق شهروندی و توسعه پایدار، ص ۱۹

تعریف مفهوم شهروند و حق شهروندی نسبت به ایدئولوژی‌های گوناگون و روند تاریخی، متفاوت و همواره در حال تغییر بوده است. از تعریف لیبرال دموکراسی گرفته تا توصیف تئوری انتقادی از شهروند، این مسئله همواره مورد بحث و تکمیل و اصاح است. در وسیع‌ترین معنی، مفهوم شهروندی حقوق و وظایف و عضویت در یک اجتماع سیاسی را شامل می‌شود<sup>۱</sup>. بسیاری از فلاسفه، مفهوم شهروندی را به عنوان یک وظیفه مطرح می‌کنند<sup>۲</sup>. به طور کلی امروزه تعریف مفهوم شهروندی و

1. Purcell, 2003

2. Kant, 1991

اعطای حقوق گوناگون مدنی، اجتماعی و سیاسی به شهروندان، بر پایه انگاره عضویت در دولت - ملت متکی به نظام لیبرال و به طور کلی کاپیتالیسم، مورد پرسش قرار گرفته و در کنار این انگاره، مفهوم شهروندی بر اساس نظریاتی نوین در حال بازتعریف شدن است. این نظریات، مفهوم شهروندی را در مقیاس شهری و با پیش فرض عضویت در باهمستان‌های شهری در نظر می‌گیرند.<sup>۱</sup> در جدول ۳، مبنای تعریف مفهوم شهروندی بر اساس نظریات معاصر مشخص شده است.

جدول ۳: مفهوم شهروندی بر مبنای نظریات معاصر

منابع	مقیاس	مبنای تعریف مفهوم شهروندی	نظریه‌ها
(Miraftab, 2012), (Holston & Appadurai, 1996)	ملی	عضویت سیاسی در دولت - ملت	لیبرالیسم
(Lefebvre, 1996; 2002) (Purcell, 2002; 2003 Plyushteva, 2009)	محلی و شهری	سکونت و حضور در شهر و عضویت در باهمستان‌های شهری	حق به شهر
(Purcell, 2002; 2003 Plyushteva, 2009)	محلی و شهری	سکونت و حضور در شهر جهانی و عضویت در باهمستان‌های شهری	حق به شهر جهانی

مأخذ: نگارندگان

### مفهوم حق به شهر

هانری لوفور<sup>۲</sup> نظریه‌پرداز اصلی مفهوم حق به شهر برخلاف بسیاری از ایدئولوژی‌های مرتبط با مفهوم شهروندی، شهروند رسمی را تنها به عنوان عضوی از یک اجتماع سیاسی در نظر نمی‌گرفت. نظریات لوفور را مرتبط با تئوری شهری انتقادی می‌دانند. این تئوری به طور غالب، با فرم‌های دانش شهری بازارمحور، فن سالارانه، تخصص‌گرا و فرم‌های نئولیبرال علوم سیاسی در تضاد است. هدف نهایی از تئوری شهری انتقادی، به اجرا در آوردن مطالبه حق به شهر است.<sup>۳</sup> در این راه فقط به دنبال نشان دادن نکات منفی نیست، بلکه به صورت انتقادی، امکان تغییر در بخش‌های اشتباهی که به اصلاح نیاز دارند را مشخص می‌کند.<sup>۴</sup> از دیگر نظریه‌پردازان شاخص این حوزه، می‌توان به دیوید هاروی<sup>۵</sup>، دون میشل<sup>۶</sup>، آلیسون براون<sup>۱</sup>، آنالی کریستیانسن<sup>۲</sup> و

1. Appadurai, 1996, Purcell, 2003; Plyushteva, 2009 & Miraftab, 2012; Holston.

2. Henri Lefebvre

3 Fainstein, 2014

4. Brenner et al., 2012

5. David Harvey

6. Don Mitchel

مارک پورسل<sup>۳</sup> اشاره کرد. لازم به ذکر است که دیدگاه این مقاله به دنبال پیروی از منش سیاسی نظریه پردازان این حوزه، همچون ایدئولوژی مارکسیسم نیست، بلکه سعی بر این است تا مفاهیم مرتبط با مسئله شهروندمداری در طراحی شهری، از این نظریات اقتباس شود. به زعم مارکوزه، برنر و مهیر، حق به شهر، مطالب‌های اخلاقی بر پایه اصول بنیادین عدالت شهری است که علاوه بر یک فرآیند قضایی، یک مطالبه قانونی است و به صورت مجموعه‌ای از حقوق جمعی مطرح می‌شود (کامیار، حقوق شهری و شهرسازی، ص ۱۱۰). نه فقط حق به اطلاع یافتن و شفافیت در حکمروایی، نه فقط حق دسترسی به خدمات، بلکه حق به کلیتی که در آن هر بخش، جزئی از یک مجموعه منفرد است. مجموعه‌ای که در آن حق مشخصی مطالبه می‌شود (Ibid). به نقل از ایواماتو، حق به شهر یک مفهوم است که آزادی کامل برای همه شهروندان و ساکنان شهر، جهت دستیابی به مزیت‌های حیات و مشارکت در تکامل آن قائل است؛ نگرشی مبتنی بر حقوق که دستاوردهای توسعه را توزیع و مشارکت در توسعه را تضمین می‌کند. در جدول (۲) مجموعه‌ای کلی از حقوق شهروندان به شهر از منظر صاحب‌نظران این حوزه، بازنمایی شده است.

### حق به شهر و عدالت شهری

آیریس یانگ، محقق حوزه شهروندی، در نظریاتش به ارتباط میان حقوق و عدالت می‌پردازد. او با ساختارزدایی فرضیه وحدت حقوق و عدالت، معتقد است که سیاست‌های رفاهی فردگرایانه دولتی متکی بر حقوق فردی، در زمینه عدالت گستری کارساز نیست و باید فرم‌های حقوقی مبتنی بر گروه‌های اجتماعی خوداتکا جایگزین آن شود.<sup>۴</sup>

- 
1. Alison Brown
  2. Annali Kristiansen
  3. Marc Purcell
  4. Iwamoto, 2008
  5. Houghton, 2005



جدول ۲: حقوق شهروندان به شهر از منظر نظریه پردازان حوزه تئوری حق به شهر

منابع	حقوق شهروندان به شهر از منظر نظریه پردازان	نظریه پردازان
(Lefebvre, 1996; 2002) (Brenner, Marcuse & Mayer, 2012) (Purcell, 2002; 2003)	حق به اختصاص دادن <sup>۱</sup> فضای شهری و استفاده از آن / حق به مشارکت <sup>۲</sup> در تولید و بازتولید فضای شهری / حق به سکونت شهری <sup>۳</sup> / حق به اطلاع یافتن، یادگیری و آموزش / حق به استفاده از خدمات گوناگون شهری / حق به گذران اوقات فراغت / حق به کار / حق به سلامت / حق به استفاده از مکان‌ها برای ملاقات، تعامل و مبادله / حق به شفافیت در حکمروایی شهری	هانری لوفور
(هاروی و مریفیلد، ۱۳۹۲) (Harvey, 2003)	حق به حیات شهری برای همه شهروندان / حق به مشارکت شهروندی / حق به هدایت برابر / حق به استفاده از فضاهای عمومی و خصوصی شهری	دیوید هاروی
(Mitchel, 2003)	حق به انجام فعالیت‌های خلاقانه / حق به اطلاع یافتن و آگاه شدن / حق به نمادسازی، خیال پردازی و تفریح کردن / حق به آزادی / حق به فردیت در عین اجتماعی شدن / حق به زیستن و سکونت داشتن	دون میشل
(Brown & Kristiansen, 2009)	حق به تغییر و دوباره سازی شهری / حق به تعریف نیازها و احتیاجات شهروندی / حق به دسترسی برابر به امتیازات شهری / حق به مشمولیت اجتماعی / حق به تجدید ارتباطات اجتماعی	آلیسون براون و آنالی کریستیانسن
(Purcell, 2003)	حق به اختصاص دادن فضای شهری جهانی و استفاده از آن / حق به مشارکت در تولید و بازتولید فضای شهری جهانی / حق به مشمولیت اجتماعی در شهر جهانی / حق به استفاده از خدمات شهری برای همه کاربران شهر جهانی	مارک پورسل

مأخذ: نگارندگان

حق به شهر گونه‌ای از این فرم‌های جمعی است. این مفهوم در نهایت به دنبال مطالبه عدالت است؛ اما بیش از این که به مطالبه عدالت فردی بپردازد، مطالبه عدالت جمعی و اجتماعی را پیگیری می‌کند و از نظر

1 Right to appropriation

2 Right to Participation

3 Inhabitance

حقوقی ماهیتی اجتماعی دارد. حق به شهر تنها مفهومی قانونی از حق داشتن منافع خاص نیست، بلکه یک حق در یک مفهوم سیاسی - اجتماعی است. این مفهوم همچنین به عنوان مجموعه‌ای از حقوق برای رسیدن به عدالت در سیستم قانونی موجود نیست بلکه مطالبه حقی است استوار بر یک برنامه اخلاقی که به دنبال بازشناسی سیستمی بهتر است؛ سیستمی که در آن منافع بالقوه یک زندگی شهری، به طور کامل بالفعل می‌شود<sup>۱</sup>. همانطور که بیان شد، مفهوم حق به شهر با مفهوم عدالت شهری رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. در مورد این موضوع، بسیاری از محققان به ارائه نظریات خود پرداخته‌اند. برخی مفهوم عدالت و حق به شهر را بر اساس مسائل مرتبط با روابط منتج از قدرت، برخی بر اساس مفاهیم مربوط به عقلانیت ارتباطی هابرماس و برخی بر مبنای اصول مرتبط مطرح شده توسط نظریه‌پردازان حوزه عدالت پرداخته شده است<sup>۲</sup>.

### وظایف شهروندی

در قبال وظایف تصریح شده در قانون برای مدیریت شهری که در برگیرنده حقوق شهروندی نیز می‌باشد، متقابلاً شهروندان در ارتباط با شهر و مدیریت شهری دارای وظایف و تکالیفی هستند که عمل به این وظایف و تکالیف در ارتباط دوسویه با حقوق آنها از مدیریت شهری باعث ارتقاء فضیلت جامعه شهری، تأمین سعادت و ایمنی شهری می‌گردد (فکوهی، تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای...، شماره ۲، صص ۱۵-۱). به طور کلی وظایف شهروندان را می‌توان در چند مورد زیر خلاصه نمود:

۱. آشنایی با حق و حقوق خویش در جامعه شهری و تشویق و ترغیب همشهریان خود به مشارکت در امور شهر.
۲. آشنائی با وظایف و تکالیف مدیریت شهری و توانایی‌ها و محدودیتهای مدیریت شهری در اداره شهر و هماهنگ ساختن سطح توقعات خویش با این وظایف و امکانات.
۳. پس از آشنائی با دو مقوله فوق هر شهروند باید برای احقاق حق خویش و بالطبع بهبود وضعیت جامعه شهری خود اقدام نموده و مدیریت شهری را وادار به انجام وظیفه و اعاده حق شهروندی خویش نماید.
۴. سعی و تلاش برای مشارکت در اداره شهر.
۵. افزایش حس تعلق خاطر خود به محله و شهر محل سکونت خویش (فون هایک، قانون، قانونگذاری و آزادی، ۱۳۸۰).

1. Brenner et al., 2012

2. Harvey, 2009

جدول ۵: عناصر حکمرانی خوب و مدیریت شهری (نگارندگان)

اصول ابعاد	حکمرانی خوب	حکمرانی خوب در مدیریت شهری
مشروعیت	- مشارکت - اجماع	- آزادی دیدگاه‌ها بدون تبعیض - گفت‌وگو فعال - اقدام به مقررات
پاسخگویی	- پاسخگویی - شفافیت	- دانش مناسب و با کیفیت در مورد تصمیم‌گیری و پاسخگویی - پاسخگویی به شکل‌های گوناگون و غیرزبانی برای اصلاح و تشویق
ایفای نقش	- احساس مسئولیت در خدمت - کارایی و اثربخشی	- سازگاری با مدیریت اثربخش - مدیریتی قوی و بهبودپذیر
عدالت	- برابری رأی بهبود و حفظ خوشبختی و رفاه - تقویت انصاف به ویژه حقوق انسانی	- تقویت شایسته‌سالاری، کمال‌پروری و زندگی شرافتمندانه - توزیع مناسب با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع و... - به کارگیری قوانین و مقررات سازگار
جهت‌گیری	- داشتن چشم‌انداز راهبردی	- رهبری مؤثر و کارا - ترکیب آداب و سنن بومی با عقاید جدید - فراهم کردن برخوردهای مناسب - سازگاری گفتار با عمل

### جایگاه حقوق شهری بین شاخه‌های علم حقوق

به طور کلی ایفای نقش حقوق در شهر (حقوق شهری) یعنی تحقق قواعد حقوقی الزام‌آور برای شهروندان و شهرداری‌ها، منجر به تنظیم بهتر روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی انسان می‌شود. بدین ترتیب می‌توان انتظام جامعه را انتظار داشت و قدر مسلم انتظام جامعه در هر یک از ابعاد روابط مذکور، دارای بازتاب‌های فضایی و کالبدی در شهر خواهد بود (نمودار شماره ۱). حقوق شهری به عنوان یک پدیده اجتماعی هم در معرض دگرگونی است و هم انتظار می‌رود که به نیازهای جدید شهری پاسخ دهد. به این منظور انتظار می‌رود که نظام حقوق شهری یک جامعه با دگرگونی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی آن انطباق داشته باشد (آراسته و دیگران، بررسی میزان آگاهی دانشجویان از...، شماره ۶، صص ۶۷-۵۳).

نمودار ۱: نقش حقوق در جامعه شهری (تجزیه و ترکیب نقش حقوق در شهر)

حقوق شهری: ضوابط و مقررات				
نظم محیطی (روابط انسان با محیط زیست)	نظم امور فرهنگی	نظم روابط اجتماعی	نظم روابط سیاسی حکومتی	نظم روابط اقتصادی
انتظام جامعه و تبلور کالبدی و فضایی آن در شهر				

نیازهای کمی و کیفی شهروندان که دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی‌اند، می‌توانند از طریق برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی ساماندهی شوند. بدین ترتیب می‌توان انتظام فضایی و کالبدی شهر را به عنوان نتیجه ساماندهی فضایی و کالبدی مناسب با فعالیت‌های مذکور تلقی کرد که قطعاً آثار مثبت آن در انتظام جامعه بازتاب خواهد داشت. نمودار (۲)، بیانگر این ارتباط و ساماندهی‌های متعاقب آن است. در فرایند برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری ما چهار گروه ذی نفع یا کنشگر داریم: ۱- تصمیم‌سازان<sup>۱</sup> ۲- تصمیم‌گیران (تصویب‌کنندگان)<sup>۲</sup> ۳- مجریان<sup>۳</sup> ۴- مخاطبان<sup>۴</sup> (هانری لویی، جامعه‌شناسی حقوق، ۱۳۷۱) و (بیلدرم، بیانیه اروپایی حقوق شهری، شماره ۲۹، صص ۵۶-۵۷). قوانین شهر و شهرسازی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد که همه این چهار گروه را به اندازه کافی، لازم و مؤثر پشتیبانی کند و امکان فعالیت و کنش را برای آنها فراهم کند؟

### تقسیم‌بندی کلی قوانین و مقررات شهری

۱. قوانین و موضوعات مربوط به نحوه مدیریت و اداره شهرها که عمده شامل مقررات مربوط به شهرداریها و شورای شهر است که عمده‌ترین نهاد مدیریت شهری می‌باشند.
۲. قوانین و مقررات مربوط به شهرسازی و ساخت شهرها که عمدتاً مقررات مربوط به وزارت مسکن و شهرسازی را که در قالب ضوابط مربوط به تهیه و تصویب طرح‌های جامع و تفصیلی شهری است را در بر می‌گیرد.
۳. قوانین و مقررات بین دستگاهی، به علت ماهیت متنوع وظایف شهری و تعدد دستگاه‌های

- 
1. Decision makers
  2. Decisions
  3. Executor
  4. Clients

خدمات رسان شهری که بالغ بر ۸۰ دستگاه می‌باشند، ضرورت وجود قوانین و مقررات مربوط به هماهنگی بین دستگاه‌ها به منظور جلوگیری از دوباره‌کاری و اتلاف انرژی ضروری است (احمدی و دیگران، بررسی تأثیر آگاهی شهروندی بر پاسخگویی...، شماره ۱۰، صص ۲۰-۱) و (باقری، بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در...، شماره ۱۱، صص ۱۲۶-۹۳).

### تعریف شهر از لحاظ قانون شهرداری

ماده (۱) قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ در مورد تشکیل شهرداری بیان می‌دارد در هر محل که جمعیت آن حداقل ۵ هزار نفر جمعیت باشد شهرداری تشکیل می‌شود. تبصره (۱) همین ماده در مورد تأسیس شهرداری شهرهایی که کمتر از ۵ هزار نفر جمعیت دارند بیان می‌دارد: در هر نقطه‌ای که از نظر موقعیت و اهمیت تشکیل شهرداری ضرورت داشته باشد ولو جمعیت آن به ۵ هزار نفر جمعیت بالغ نشود وزارت کشور می‌تواند در آن محل دستور تشکیل انجمن شهر و شهرداری را بدهد (زیاری و دیگران، ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان، شماره ۱، صص ۷۷-۵۹).

### تعریف شهر از لحاظ ماده (۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵

از نظر حقوقی شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود بوده، به طوری که اکثریت ساکنان دایمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ۱۰ هزار نفر جمعیت باشد (نوروزی، بررسی قانون شهرداری، ج ۱) و (هاشمی، حقوق شهری و قوانین شهرسازی، ۱۳۷۱).

### تبصره (۵) الحاقی به ماده (۳) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۷۱/۰۲/۲۳ مجلس

به موجب این تبصره، روستاهای مرکز بخش با هر میزان جمعیت و همچنین روستاهای واجد شرایط (مدرج در ماده ۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری) چنانچه در تراکم کم دارای ۴ هزار نفر جمعیت و در تراکم متوسط بالغ بر ۶ هزار نفر جمعیت باشند، می‌توانند به عنوان شهر شناخته شوند (نجاتی حسینی، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی...، ۱۳۸۰).

### ویژگی‌های شخصیت حقوقی شهرداری

شهرداری به عنوان یک شخصیت حقوقی در حقوق عمومی، دارای خصایصی است و شناسایی این ویژگی‌ها، نقش مهم و بنیادی در تجزیه و تحلیل قانون شهرداری‌ها دارد: شخصیت شهرداری منبعث از اراده عمومی است: بر اساس قانون اساسی کشور (اصل یکصدم) برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی، از طریق همکاری مردم، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند (مظفری، تنوع و پایداری درآمدی در اقتصاد شهری، شماره ۱۵، صص ۵۴-۴۵).

**مقررات قانون شهرداری آمده است:** شهرداری قانوناً مکلف به برآوردن نیازها و حوائج عمومی جامعه شهری است. این نقش‌ها و کارکردها را اراده عمومی بر عهده شهرداری قرار داده و در نتیجه هرگونه تخطی از آنها در حکم تخلف از حقوق عمومی و نقض آن است. در واقع آنچه قانون بر عهده شهرداری گذاشته، نوعی نمایندگی حقوق عامه است. امره بودن مقررات حاکم بر شخصیت حقوقی شهرداری موجب می‌شود امکان تخطی از آن فراهم نیاید اما متأسفانه اگر یک شخصیت حقوق عمومی تکلیفی را به انجام نرساند و این ترک تکلیف، سبب تعطیل ماندن حقوق ملت یا شهروندان گردد، چاره اندیشی حقوقی نشده است.<sup>۱</sup> وظایف شهرداری، مبتنی بر الزام شهروندان است: از آنجایی که شهرداری مبتنی بر اراده عمومی تشکیل شده و عهده‌دار وظایف مربوط به عموم و مقررات آن وابسته به نظم عمومی است، اجرای اعمال قانونی توسط آن، برای کلیه ساکنان شهر الزام‌آور است و حتی اگر افراد به اعمال و تصمیمات شهرداری معترض باشند، باز هم باید از آنها تبعیت کنند. الزام شهروندان در برابر تصمیمات و اعمالی که شهرداری در مقام انجام وظایف اصلی انجام می‌دهد.

### نتیجه

طراحی شهری شهروندمدار توأمان جنبه‌های فرآیندمحور و فرآورده محور طراحی شهری را در بر می‌گیرد. در واقع، این نوع طراحی شهری به طور موازی به برخی رویکردهای مشارکتی، دموکراتیک و میان رشته‌ای از یک سو و جنبه‌های مربوط به تولید و آفرینش فضاهای انسان‌مدارانه از منظر فرم، عملکرد و معنا از سوی دیگر،

1 Beigzadeh, 2012

می‌پردازد. بنابراین رویکرد طراحی شهری شهروندمدار، روندی جامع است که به گونه‌ای پایدار، به بسیاری از رویکردهای فرآیندمحور و فرآورده محور طراحی شهری مرتبط می‌شود. با توجه هرچه بیشتر به چارچوب نظری این مقاله و بهره‌گیری از شاخصه‌های کیفی طراحی شهری شهروندمدار در اقدامات شهری، تا حد زیادی می‌توان فضاهای شهری و فرآیند طراحی شهری را شهروندمدارتر کرده و ارتباطی معنادار میان نظریه و عمل برقرار نمود. با توجه با اینکه فرهنگ شهر و شهروندسازی از ضروریات اساسی افزایش و گسترش سرمایه اجتماعی در هر جامعه است آگاهی از میزان و کیفیت آن در زمان‌های مختلف لازمه توسعه همه جانبه جوامع می‌باشد. نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان در ابعاد سه گانه شهروندسازی یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت اجتماعی را می‌توان در نتیجه بی‌اعتمادی اجتماعی و یا بی‌تفاوتی اجتماعی آنها و یا عدم فرهنگ مشارکت دانست. آگاهی شهروندان از مسائل و مشکلات شهری که باید توسط مدیریت شهر انجام شود عنصر کلیدی و اساسی در امر بالا بردن شهروندسازی و موفقیت مدیران شهری می‌باشد که نقطه شروع آن را باید در مسائل عمرانی و آبادانی شهر جستجو کرد. اما عدم رعایت قوانین در حد مطلوب در بین مدیران و مسئولان شهری که از ارکان اساسی در شهروندسازی می‌باشند را باید در قانون‌گریزی جامعه ایران که در بستر تاریخی فرهنگی ایران شکل گرفته است دنبال نمود. همچنین عدم شفافیت قوانین و وجود انواع فسادهای اداری از عوامل جدی پایین بودن این بعد شهروندسازی است. مسئولیت‌پذیری شهروندان در زمینه‌های گوناگون و در قالب نقش‌های اجتماعی مختلف نیز از ابعادی است که در دیدگاه‌ها و مدل‌های مختلف شهروندسازی به ویژه در مدل پارسنز بدان توجه شده است. یکی از عوامل اساسی در پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان را باید در عدم وجود یک سیستم کنترل اجتماعی دقیق و نبود یک سیستم پاداش و تنبیه مناسب جستجو نمود. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اذعان نمود که نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندسازی در جامعه ایران با توجه به پتانسیل‌های موجود و ساختار در حال گذار آن، از رهیافت وادار کردن مسئولان شهری قابل دستیابی است. از طرفی دیگر هنگامی مسئولان شهری جامعه فرهنگ شهروندسازی را درونی می‌نمایند که نسبت به محاسن و منافع آن آگاهی یابند و آنها را از نزدیک لمس کرده باشند. در این صورت است که حاضرند بسیاری از کارکردهای خود را محدود نمایند تا شهروندان براحتی زندگی کنند. در قانون اساسی ایران وجود حقوق سیاسی اجتماعی، حقوق اقتصادی و رفاهی، حقوق قضایی و حقوق فرهنگی در اصول مختلف آن بسیار به چشم می‌خورد. اما ایستارهای جامعه ایرانی مانع از نهادینه نمودن و عمل به آن است. در زندگی متمدن امروزی، شهروندان عموماً با سلاقی و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند، عده‌ای برای کسب و کار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و

گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و... از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی و اخلاقی بین افراد و گروه‌های مختل جامعه است و این روابط می‌بایست تحت نظم و قاعده‌ای در آید، چرا که در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم شده و به هرج و مرج و نابسامانی خواهد انجامید. لذا دولت‌ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط پیش گرفته‌اند. در جوامع امروزی بررسی روابط متقابل شهروندان و مدیریت شهری و همچنین بررسی مفهوم مشارکت، بدون مفهوم شهروندی معنایی ندارد. کسب مهارت‌های شهروندی، یا به عبارت دیگر، تبدیل شدن به یک شهروند مؤثر و کارآمد، مستلزم آگاهی از حقوق و تکالیف، نگرش‌های قوام یافته نسبت به ارزش‌های اجتماعی، حساسیت نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم، احترام به شأن و منزلت انسانی و تلاش برای صلح و حفظ محیط زیست است.

### فهرست منابع و مآخذ

۱. آراسته، حمیدرضا؛ عنایتی، ترانه و نطفاتی پایانی، یوسف، بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با تاکید بر برنامه درسی، نشریه علمی پژوهشی اطلاع رسانی و کتابداری، ۱۳۸۹، شماره ۶، صص ۵۳-۶۷.
۲. احمدی، محمد؛ پوراحمد، احمد و حاتمی نژاد، حسین، بررسی تأثیر آگاهی شهروندی بر پاسخگویی و عملکرد سازمان زیباسازی برای بهبود منظر شهری (مطالعه موردی: منطقه ۶ کلانشهر تهران)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه گلستان، ۱۳۹۲، سال سوم، شماره پیاپی دهم، صص ۲۰-۱.
۳. باقری، لیلا، بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت (مطالعه موردی: شهر تهران)، فصلنامه اخلاق زیستی، ۱۳۹۳، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۹۳-۱۲۶.
۴. بیرانوند، رضا؛ آبی، محمد و کشفی، سعید، نقش و تکالیف پلیس راهنمایی و رانندگی در رعایت حقوق شهروندی رانندگان، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، ۱۳۹۰، شماره ۲۱، صص ۳۳-۵۲.
۵. جعفری، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۶۲.
۶. حاج زاده، مصطفی و منصور، اعظم، سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۱۳۹۲، سال چهارم، شماره دوازدهم، صفحات ۵۷-۷۶.
۷. خوئینی، غفور، حقوق شهروندی و توسعه پایدار، تهران، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۶.



۸. ذکائی، محمدسعید، اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۸۰، شماره ۵.
۹. رجبی، آریتا و حصارى نژاد، جعفر، شرکت‌های مردم نهاد شهری: راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۳۹۲، شماره چهارم، صص ۱۱۱-۱۲۹.
۱۰. رضائی پور، آرزو، حقوق شهروندی، تهران، انتشارات آریان، ۱۳۸۵.
۱۱. زیاری، کرامت‌اله؛ شیخی، عبدالله؛ باقرعطاران، مرضیه و کاشفی دوست، دیمن، ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری، پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۱۳۹۲، دوره ۱، شماره ۱، صص ۵۹-۷۷.
۱۲. ساکت، محمدحسین، دیباچه‌ای بر دانش حقوق، تهران: نشر نخست، ۱۳۷۱.
۱۳. شیانی، ملیحه، فقر - محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۴، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۶۴-۴۱.
۱۴. فکوهی، ناصر، تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذار به مردم سالاری مشارکتی، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳۸۸، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی)، صص ۱۵-۱.
۱۵. فون هایک. فردریش، قانون، قانونگذاری و آزادی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی نژاد، ۱۳۸۰، تهران: طرح نو.
۱۶. قربانی پور، جمیله و رضایی نژاد، امیرعلی، آشنایی با حقوق شهروندی، تهران، معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۶.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
۱۸. کاظمی، سیدعلی، موانع و چالشهای تدوین لایحه‌ی حمایت از حقوق شهروندی در ایران، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۶، شماره ۵۸، صص ۱۳۴-۱۱۹.
۱۹. کامیار، غلامرضا، حقوق شهرسازی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
۲۰. کامیار، غلامرضا، حقوق شهری و شهرسازی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
۲۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی، ۱۳۹۳.
۲۲. محسنی، رضاعلی، ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی: راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۳۸۹، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۱۷-۱۴۴.
۲۳. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۳) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران،

- نشر پایدار، ۱۳۷۷.
۲۴. مظفری، رسول و ملازاده، عباس، تنوع و پایداری درآمدی در اقتصاد شهری با تاکید بر مشارکت شهروندی، اقتصاد شهر، ۱۳۹۱، شماره ۱۵، صص ۴۵-۵۴.
۲۵. نجاتی حسینی، سید محمود، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری؛ تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۰.
۲۶. نروزی، کامبیز، بررسی قانون شهرداری، جلد اول: مبانی نظری، تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۰.
۲۷. نیازپور، امیرحسین، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی، مجله حقوق دادگستری، ۱۳۸۶، شماره ۵۸، صص ۹۳-۱۱۸.
۲۸. هاشمی، فضل‌الله، حقوق شهری و قوانین شهرسازی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
۲۹. هانری لویی برول، جامعه شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۳۰. بیلدرم. صلاح‌الدین، آلن دوپن و سنک تیکبیز، بیانیه اروپایی حقوق شهری، ترجمه ایمانی جاجرمی، ماهنامه شهرداریها، ۱۳۸۰ سال دوم، ش ۲۹، صص ۵۶ - ۵۷.
31. Beigzadeh, Ebrahim; Afshari Maryam (2012), Climate change and environmental regulators in international law, *Journal of Legal research*, 14(6). (Persian).
32. Beigzadeh, Ebrahim; Afshari Maryam (2012), Climate change from international security to human security in international law, *Journal of Legal research*, 14(107). (Persian).
33. Brown, A., & Kristiansen, A. (2009). *Urban Policies and the Right to the City: Rights, Responsibilities, and Citizenship*, UN-HABITAT, Policy Paper Series on Management of Social Transformations.
34. Brynskov, M. (2014). *Urban interaction design: towards city making*. Germany: Schloss Neuhausen.
35. Fainstein, S.S. (2014). The just city. *International Journal of Urban Sciences*, 18 (1): 1-18.
36. Griffin, T.L., Cohen. A., & Maddox. D. (2015). *The just city essays: 26 vision for urban equity, inclusion and opportunity*. (Volume 1 of The Just City Essays Series). Independent Publisher. Available from: <https://www.thenatureofcities.com/the-just-city-essays>. (accessed March 2019).
37. Harvey, D. (2003). Debates and developments: the right to the city. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(4): 939-941
38. Harvey, D., & Potter, C. (2009). The right to the just city. In P. Marcuse,

- J. Connolly., J. Novy., I. Olivo., Potter & J. Steil (Eds.), Searching for the just city (pp. 40–51). New York, NY: Routledge.
39. Haughton, G., & Hunter, C. (2005). Sustainable cities. London: J. Kingsley Publishers.
40. Holston, J., & Appadurai, A. (1996). Cities and Citizenship. *Public Culture*, 8, 187-204. Available from: [http://www.arjunappadurai.org/articles/Appadurai\\_Cities\\_and\\_Citizenship.pdf](http://www.arjunappadurai.org/articles/Appadurai_Cities_and_Citizenship.pdf). (accessed March 2019.)
41. Lefebvre, H. (2002). Critique of everyday life; foundations for a sociology of the everyday. first edition, Translated by John Moore. London: Verso, 2.
42. Mitchel, D. (2003). The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space. New York: Guilford Press.
43. Pourmahabadian, Elham; Ahmadi, Hassan; Amiri, Seyyed Yousef (2017), Formulation of principles and
44. Purcell, M. (2002). Excavating Lefebvre: the right to the city and its urban politics of the inhabitant, *GeoJournal*, 58(2/3): 99–108.
45. Purcell, M. (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(3): 564–590.
46. Seidaei Gelsefidi, SeyyedKaveh; Pourmahabadian, Elham; Falamaki, Mohammad Mansour, (2020) Explain the role of sidewalks in promoting security in crime-prone urban spaces and creating vitality in historical contexts, *journal of Safe city*, 3(10). (Persian).

